

خودباختگی پهلوی دوم

قانون کاپیتولاسیون (به معنای مصونیت همه اتباع امریکایی حاضر در ایران از رسیدگی قضایی و واگذاری این حق به نماینده حقوقی امریکا بود، در حالی که ایرانیان ساکن آمریکا به هیچ وجه از چنین حقی برخوردار نبودند) که تصویب آن با پشتیبانی محکم شاه صورت گرفت. این قانون کاملاً در تعارض با استقلال و هویت ایرانی بود. در زمان تصویب، سفیر آمریکا که خوشحال به نظر می‌رسید، به ملاقات شاه می‌رود. سند زیر گزارش خیلی محرمانه سفارت از این ملاقات است:

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۴ (۲۶ شهریور ۱۳۴۳)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

یادداشت برای ضبط در پرونده

شاه در حین ملاقات با سفیر در تاریخ ۱۶ سپتامبر، به نقل از ارسنجانی^۶ گفت لایحه‌ای در مجلس وجود دارد که پرسنل امریکایی را از کاپیتولاسیون برخوردار خواهد ساخت. ارسنجانی به شاه گفته بود که اگر این قانون توسط مجلس تصویب شود، شاه تاج و تخت سلطنت را از دست خواهد داد. سفیر فوراً سؤال کرد که آیا این موضوع در شاه ایجاد رعب و وحشت کرده است و شاه در پاسخ گفت: نه به هیچ وجه.

سرلشکر اکهارت

ج. ۱. آر می تاژ

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۷، سند شماره ۸، صفحه ۶۰۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سؤال:

- ۱- چرا ارسنجانی گفت اگر این قانون تصویب شود، شاه حکومتش را از دست خواهد داد؟
- ۲- چرا شاه می‌خواهد به سفیر آمریکا نشان دهد با اینکه تصویب این قانون خطرهایی دارد، ولی او حاضر به انجام آن است؟

^۶ حسن ارسنجانی از دولتمردان دوره پهلوی دوم بود که مسئولیت وزارت کشاورزی (۱۳۳۹ - ۱۳۴۱) و سفارت ایران در ایتالیا (۱۳۴۲ - ۱۳۴۳)، را عهده‌دار بود.

هم‌اندیشی کنید

از خودبیگانگی حقیقی و تاریخی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جامعه‌ای به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای را که خودبیگانگی نداشته باشد، در مواجهه با بحران‌های مشابه

هنجار (شیوه و روش)	ارزش (هدف)
وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم،	نظم
به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم،	ادب
حجاب داشته باشیم (حفظ حریم)،	عفت
پوشش شرعی،	حجاب (حفظ حریم)
.....	ثروت

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های

چاپ 1401 صفحه 11

هنجار (شیوه و روش)	ارزش (هدف)
وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم،	نظم
به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم،	ادب
حجاب داشته باشیم (حفظ حریم)،	عفت
پوشش شرعی،	حجاب (حفظ حریم)
.....	فرزندآوری
.....	ثروت

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های

چاپ 1402 صفحه 11

از «من» تا «ما»؟

به نظر شما از «من بودن» تا «ما شدن» چقدر فاصله است؟ این مسیر، گاهی ساده و سر راست به نظر می‌آید و گاهی دشوار و پیچیده! خوب است بدانید که این پرسش، یکی از پرسش‌های مهم علوم اجتماعی است. از آن دسته پرسش‌هایی که جدا از پاسخی که به آن می‌دهیم، فهم خود پرسش، بسیار مهم است. برخی در پاسخ به چنین پرسش‌هایی عجله می‌کنند و از فهم عمیق پرسش باز می‌مانند. راستی شما در این مورد چگونه می‌اندیشید؟



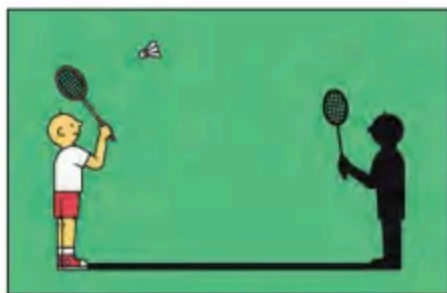
آبی دریا به رنگ آسمان
قطره‌ها بی‌رنگ و از دریا جداست
قطره تنها چرا بی‌رنگ ماند؟
رنگ دریا‌های آبی از کجاست؟
قطره تنها به دور از قطره‌ها
با خود آهنگ جدایی می‌زند
قطره‌هایی را که با هم می‌روند
آسمان رنگ خدایی می‌زند
این «من و تو» حاصل تفریق ماست
پس تو هم با من بیا تا ما شویم
حاصل جمع تمام قطره‌ها
می‌شود دریا، بیا دریا شویم
(قیصر امین پور)

سراسر زندگی اجتماعی می‌تواند زمینه پیوند انسان‌ها با یکدیگر و عبور از «من و تو» و تشکیل «ما» باشد. «من»‌ها درون «ما» حل نمی‌شوند و از بین نمی‌روند بلکه «من»‌ها با «ما» از دایره تنگ و محدود خود فراتر می‌روند و بزرگ و بزرگوار می‌شوند. راستی «ما»‌ها نیز با هم تفاوت دارند. برخی از «ما»‌ها، در رشد، بالندگی و تعالی انسان‌ها تأثیر بیشتری دارند. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: همواره در راه نیکی و پرهیزکاری تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری نکنید!

آموختید که کنش‌های ما انسان‌ها، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی دارند. این آثار و پیامدها می‌توانند کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشند. ازدواج و تشکیل خانواده یکی از زمینه‌های پیوند میان انسان‌ها و گذر از «من» به «ما» است. اکنون در آثار و پیامدهای ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری تأمل کنید.

عزم هر فرد برای ازدواج و تشکیل خانواده و تصمیم هر خانواده برای داشتن فرزند، در شیوه زندگی خودشان و دیگران مؤثر است. مثلاً در خانواده‌های تک‌فرزند، نوع ارتباط، محدود به ارتباط پدر و مادر و فرزند است. در این خانواده‌ها، معمولاً کودکان در خانه ارتباط با افراد هم‌سن و سال و

هم‌نسل‌های خود را نمی‌آموزند. در غالب خانواده‌های تک‌فرزند، والدین، هم انتظار بالایی از فرزند خود دارند و هم حمایت و پشتیبانی زیادی از او به عمل می‌آورند. همین وضعیت می‌تواند کودک را متوقع و سخت‌گیر یا زودرنج و آسیب‌پذیر کند. در عوض در خانواده‌هایی که چندین فرزند دارند از تمرکز افراطی والدین بر فرزندان کاسته می‌شود و پدر و مادر با درک تفاوت‌های کودکان خود، انتظاراتشان را تنظیم می‌کنند. فرزندان نیز در تعامل با یکدیگر، ارتباط گرفتن با دیگران، تقسیم کار، تعاون و همکاری در انجام کارها را بهتر یاد می‌گیرند.



می‌دانید که گروه‌های کوچک مانند محله، روستا، شهر و... و گروه‌های بزرگ مانند جامعه، کشور و... با وجود فرد فرد اعضا و مشارکت اجتماعی آنها، شکل می‌گیرند و دوام می‌آورند. با بروز نقصان و کاستی در تعداد افراد چنین گروه‌هایی، کمابیش زندگی و دوام آنها با تهدید روبه‌رو می‌گردد و در مقابل، با افزایش تعداد جمعیت یک قوم، فرهنگ و آیین، امکان تأثیرگذاری آن بر سایر



فرهنگ‌ها، اقوام و آیین‌ها افزایش می‌یابد. به همین دلیل، در هر جامعه‌ای میزان گرایش افراد و خانواده‌ها به فرزندآوری، از نظر کمی و کیفی اهمیت فراوان دارد. در جامعه‌ای که اغلب خانواده‌های آن، چندفرزندی هستند، با تولد هر نوزاد، نیازهای او به‌عنوان یک عضو جامعه نیز طرح و پیگیری می‌شود. آیا همین پدیده نمی‌تواند زمینه پویایی و بالندگی جامعه را فراهم کند؟ آیا تولد هر نوزاد، نمی‌تواند نویدبخش تولد یک نابغه و پیدایش ایده یا طرح و برنامه‌ای نو برای طیف گسترده‌ای از انسان‌ها باشد؟

بخوانیم و بدانیم

میزان تغییرات جمعیتی هر کشور از طریق محاسبه «میزان رشد طبیعی جمعیت» در بازه‌های زمانی معین، ارزیابی می‌شود. میزان رشد طبیعی جمعیت از دو عامل «تعداد تولد» و «تعداد مرگ و میر» و اختلاف بین آنها به دست می‌آید؛ اگر تعداد تولد به نسبت مرگ و میر، رقم بالایی باشد رشد جمعیت مثبت است و اگر در زمان و مکان معین، مرگ و میر افراد در مقابل تولد

افزایش یابد، رشد جمعیت، منفی خواهد بود. در حال حاضر در برخی کشورها، به ویژه کشورهای صنعتی، رشد جمعیت منفی است. در این کشورها، به دلیل عدم گرایش و تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری، تعداد موالید در مقایسه با مرگ و میر، کمتر است.

در کنار این شاخص، شاخص دیگری با عنوان «نرخ جایگزینی» وجود دارد. نرخ جایگزینی به این معنی است که هر زن در طول عمر خود چه تعداد فرزند به دنیا می‌آورد. جمعیت‌شناسان رقم جایگزینی را بین عدد ۲/۱ تا ۲/۲ تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، هر زن در طول عمر خود، باید حداقل دو فرزند به دنیا بیاورد تا روند طبیعی جمعیت دچار اختلال نشود.

عدم پذیرش مسئولیت والدگری و محدود شدن بُعد خانواده به خانواده بی‌فرزند یا تک‌فرزند توسط اکثر افراد جامعه، پدیده «سالمندی جمعیت» را در پی خواهد داشت. شاخص سالمندی از افزایش نسبت سالمندان در جمعیت و به بیانی دیگر، کاهش نسبت افراد ۱۴- ساله و افزایش نسبت افراد ۶۰ یا ۶۵ سال و بالاتر خبر می‌دهد.

مطالعات نشان می‌دهد که جمعیت ایران ما به سوی سالمندی می‌رود. براساس نتایج یک پژوهش انجام شده در مرکز آمار، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۱۰۱ میلیون نفر خواهد رسید و طبق پیش‌بینی‌های منابع بین‌المللی، ساختار سنی جمعیت کشور ما در سال‌های بعد از ۱۴۳۰، از یک ساختار کاملاً جوان به یک ساختار سالخورده تبدیل خواهد شد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۲۲ درصد برسد. در واقع بیشترین سهم در هرم سنی جمعیت به این گروه اختصاص می‌یابد. اگر جمعیت بالای ۶۵ سال بیش از ۱۰ درصد جمعیت کل کشور باشد، کشور پیر محسوب می‌شود. این پدیده، یک زنگ خطر بزرگ برای آینده ماست!



پدیده مسن شدن جمعیت، تبعات فراوانی به همراه دارد. افزایش جمعیت سالمند کشور، افزایش هزینه‌ها را دربر دارد. این هزینه‌ها عمدتاً به هزینه‌های بهداشت و درمان مربوط می‌شود. در کشور برای ارائه خدمات و رفع نیازهای سالمندان، به اندازه کافی، نیروی جوان وجود نخواهد داشت. در سطح فردی نیز فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند، ناچارند علاوه بر مسائل شخصی، به تنهایی تعهدات فرزندی، حمایت عاطفی و رسیدگی به مسائل والدین خود را انجام دهند. به نظر شما مسئله سالمندی جمعیت، برای کشور ما چه تبعات دیگری دارد؟

کشورها در مواجهه با روند کاهش جمعیت، برای جبران و ترمیم جمعیت خود، روش‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند. با راهنمایی دبیر خود برخی از تجربه‌های کشورهای مختلف را در این رابطه مطالعه کنید و به کلاس گزارش دهید.

مقایسه رشد جمعیت در کشورهای مختلف

نام کشور	نرخ رشد ۲۰۱۲	نرخ رشد ۲۰۱۹	مقدار افزایش
کانادا	۰/۷۶	۱/۲	۰/۴۴
سوئیس	۰/۷۸	۱/۰۹	۰/۳۱
روسیه	-۰/۰۳	۰/۲	۰/۲۳
آمریکا	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۲
کره جنوبی	۰/۱۶	۰/۳۳	۰/۱۷
انگلیس	۰/۵۴	۰/۷	۰/۱۶
ژاپن	-۰/۱۳	-۰/۰۲	۰/۱۱
فرانسه	۰/۴۵	۰/۵۶	۰/۱۱
آلمان	-۰/۱۸	-۰/۰۵	۰/۱۳
چین	۰/۴۴	۰/۵۱	۰/۰۷

ملاحظه می‌کنید که دو کشور ژاپن و آلمان از رشد منفی جمعیت برخوردارند. براساس آمارهای اعلام شده، در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۲۰ جمعیت ژاپن با کاهش ۶۴۴ هزار نفری روبه‌رو شده است و مهم‌ترین دلیل کاهش جمعیت در ژاپن، عدم تمایل زنان به فرزندآوری است. نرخ باروری در ژاپن از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد کاهش یافته است. نرخ باروری در دهه ۲۰۰۰ میلادی به رقم ۱/۳ درصد در ازای هر زن رسید. این رقم در ۲۰۰۵ میلادی به ۱/۲۶ درصد رسید. در دهه ۲۰۱۰ میلادی به بعد نرخ باروری در ژاپن با افزایش اندکی روبه‌رو شد و به رقم ۱/۴ درصد رسید. میانگین سنی جمعیت ژاپن به ۴۸/۴ سال رسیده و این کشور ثروتمند آسیایی اکنون پیرترین کشور جهان به‌شمار می‌رود. دولت ژاپن پیش‌بینی می‌کند که در اقیانوس آرام تقریباً نیمی از جمعیت این کشور را افراد سالخورده تشکیل خواهند داد. از طرفی برآورد می‌شود که ظرف چهار دهه آینده جمعیت ژاپن که اکنون ۱۲۷ میلیون نفر است، بیش از ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت و در حدود ۸۸ میلیون نفر خواهد شد.

در مقابل هویت اسلامی

شاه ایران، با اینکه پادشاه یک کشور اسلامی بود و خود را مسلمان معرفی می کرد، اما با کشورهای همکاری می کرد که با مسلمانان دشمنی دیرینه داشتند و هویت اسلامی سرزمین فلسطین و بیت المقدس و مسجدالاقصی را نفی می کردند.

به طور مثال، رژیم صهیونیستی که سرزمین فلسطین را اشغال کرد و صدها هزار فلسطینی را از خانه شان آواره ساخت و بسیاری از زنان و مردان و کودکان را کشت، رابطه ای صمیمی و مخفیانه با محمدرضاشاه داشت. کمک های محمدرضا به این رژیم چنان مؤثر بود که سرنگونی وی ضربه

سنگینی را بر رژیم صهیونیستی وارد کرد. گزارش خیلی محرمانه کارشناس آمریکایی که برای وزارت خارجه خودشان تهیه شده، بیانگر این حقیقت است:

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۴ دی ۱۳۵۷)

سفارت آمریکا، تل آویو به: وزارت خارجه، واشنگتن

موضوع: اسرائیل و تحولات ایران

۱- خلاصه: اسرائیلی ها با حالت بهت زده و هراسناکی سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده اند. انتظار می رود که انقراض رژیم شاه تعصب گرایی اسلامی نوظهور را در خاورمیانه تقویت نماید که به طور مؤثر بر فروش نفت به اسرائیل تأثیر می گذارد، هشتاد هزار یهودی ایرانی را در معرض خطر قرار می دهد و سپس ثبات منطقه ای را که در پی ریزی جریان صلح خاورمیانه در سال های آتی عامل مهمی می باشد، مورد تهدید قرار خواهد داد. فقط تعداد معدودی از افراد تردید دارند که دولت بعدی تهران رابطه اسرائیل با ایران را قطع نماید.

۲- درست مثل همه ما، اسرائیلی ها با حالت بهت زده و هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده اند. آنها معتقدند رژیم ثابت قدم، وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه، به صورت اصلاح ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش بینی شده اش می باشد. در برخی افراد این شبهه وجود دارد که دولت بعدی تهران به رهبری هر که باشد به اکثر و اگر نه تمام جنبه های رابطه نزدیک و از روی دقت ایجاد شده بین ایران و اسرائیل، پایان می بخشد. از نظر برخی تحلیلگران اسرائیلی فقط یک کودتای نظامی به اسرائیل توانایی می دهد تا حداقل مقداری از روابط خود را با ایران نجات دهد.

۳- برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین اهمیتی سمبلیک برخوردار می باشد. همکاری نظامی و اطلاعاتی پراهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شد. شرکت های اسرائیلی در پروژه های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشته اند که با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به دست آورده اند. از نظر سمبلیک، اسرائیلی ها به رابطه نزدیکشان با ایران مسلمان به عنوان نشانه ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطرود محسوب نمی شود، نگرسته اند. هر چند ایران روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار ننمود ولی دفاتر رابط به عنوان هیئت های نمایندگی دیپلماتیک در همه امور عمل کردند، منتها به صورت بی نام.

نمونه‌هایی از دشمنی آمریکا با ملت ایران از زبان خودشان

در اسناد لانه جاسوسی که اسناد محرمانه آمریکایی‌هاست، نامه‌هایی و گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها جز به منافع خودشان در ایران نمی‌اندیشیده‌اند و برای رسیدن به این منافع نه تنها از حکومت مستبد پهلوی حمایت می‌کردند، بلکه ابزار لازم برای سرکوب ملت

را به آنها می‌دادند و حتی توصیه به سرکوب بیشتر مردم هم می‌کردند. به سند زیر نگاه کنید:

از: اطلاعات و تحقیقات - دیوید. ا. مارک. اکتینگ

به: وزیر - وزارت امور خارجه، یادداشت توجیهی سری

۲ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۱ آبان ۱۳۵۷)

بحران رو به تزاید ایران

... تلاش‌های شاه برای آرام کردن مخالفین خود به شکست انجامیده است. مخالفین به هم می‌پیوندند و از این حرکت سود می‌برند، در حالی که شاه قوه ابتکار را از دست می‌دهد. شاه خودش در مشورت‌هایش با سولیوان، این موضوع را ابراز داشته است که اقدام سریع در خاموش‌سازی این اضطراب لازم است، اما به نظر می‌رسد وی قادر نباشد که تصمیم بگیرد که چه باید کرد؟ حقیقتاً در جریان مشورت با سولیوان و پارسونز، کاملاً عدم قابلیت خود را در تسلط بر مشکلاتی که با آن روبروست، نشان داد. شاه تاکنون نتوانسته جز اقدامات ناقص برای اجتناب از تصمیمات سخت، پیش‌بینی چیز دیگری را بنماید....

بدون توجه به چگونگی شکل گرفتن عمل انتقالی، مطمئناً سرکوب‌های کوتاه مدت برای پایان بخشیدن به ناآرامی‌ها ضروری است. این عمل، در هر حال جواب مشکل اساسی نیست، زیرا این سرکوب‌ها حتماً به خشونت‌های وسیع‌تری تبدیل خواهد شد و این عمل کل قدرت را به خطر می‌اندازد و میدان را برای رادیکال‌ها در صحنه سیاسی ایران خالی خواهد گذاشت....

اگر شاه هرچه زودتر حرکت مهمی تا قبل از شروع ماه محرم - در تاریخ ۲ دسامبر - انجام ندهد، مطمئناً یک سری خشونت‌های جدی به دنبال خواهد آمد. ۱۰ محرم (۱ دسامبر) روز بخصوص باشکوهی برای مسلمانان ایرانی است و شریعتمداری و یکی از نخست‌وزیران پیشین اظهار داشتند که کار شاه تا آن وقت تمام خواهد بود... مگر اینکه شاه هرچه زودتر در این مورد اقدام کند. احتمال مداخله نظامی بسیار قوی است. نظم اعمال شده به وسیله ارتش، به طور قطع بیشتر از شش ماه طول نخواهد کشید. اقتصاد هم اکنون خسارت دیده است و مردم عادی ایرانی آموخته‌اند که حتی بدون اسلحه هم می‌توان در قدرت عظیم سیاسی نقش داشت. هیچ راهی وجود ندارد که ارتش با زور بتواند میلیون‌ها ایرانی تازه آگاه شده را با رضایت خودشان برای سرافرازی رژیم پهلوی که به سختی لکه دار شده، به سر کار بازگرداند.

تهیه شده توسط: INR/RNA/SOA گریفین

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد دوم، سند شماره ۳، صفحه ۱۱، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی

سؤال:

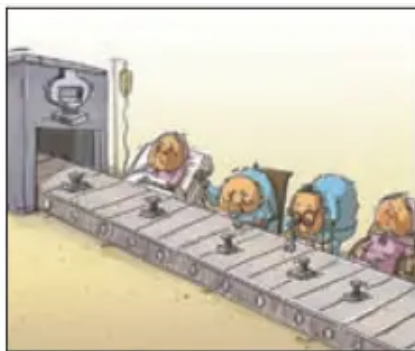
۱- به نظر شما چرا آمریکایی‌ها به‌رغم آگاهی از عزم و اراده ملت ایران، سرکوب آنها را به حکومت پهلوی پیشنهاد می‌کردند؟

۲- توصیفات مخفیانه آنها از شاه در شرایط بحرانی حاوی چه نکاتی است؟

صفحه 76 جدید در چاپ 1402

صفحه 70 قدیم در چاپ 1402

اضافه شدن مطلب جدید



■ سالمندی جمعیت، بحرانی است که اگر ظاهر شود، به سادگی علاج ندارد.



■ سالمندی جمعیت از مهم ترین بحران های قرن بیست و یکم است.

وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره اندیشی می کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه حل هایی را به اجرا در می آورد که «سیاست های جمعیتی» نامیده می شود. سیاست های جمعیتی می تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

صفحه 79 قدیم در چاپ 1401



وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره اندیشی می کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه حل هایی را به اجرا در می آورد که «سیاست های جمعیتی» نامیده می شود. سیاست های جمعیتی می تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

صفحه 87 جدید در چاپ 1402

تغییر تصاویر

- برخی کارشناسان معتقدند کاهش جمعیت و فرزندآوری بیش از آنکه متأثر از عوامل اقتصادی باشد منشأ فرهنگی دارد. نظر شما چیست؟ گفت و گو کنید.
- به نظر شما تداوم روند کاهش رشد سالانه جمعیت، برای کشورمان در آینده چه آثار زیان‌باری در پی دارد؟

- به نظر شما تداوم روند کاهش رشد سالانه جمعیت، برای کشورمان در آینده چه آثار زیان‌باری در پی دارد؟

اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده نیز هستیم ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد، کم‌فروش، محتکر، دلال و... هستند؛ ولی به دلیل ضدارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه، نشان‌دهنده هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا آنکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جوامع هم دارای هویت اقتصادی هستند؟ جوامع نیز هویت اقتصادی دارند از این رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند؛ مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان، تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفت)، مقاوم/شکننده، دست‌مزد/ غیردست‌مزد،

اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده نیز هستیم ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد، کم‌فروش، محتکر، دلال و... هستند؛ ولی به دلیل ضدارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه، نشان‌دهنده هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا آنکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها